

بررسی تفسیری نقش آیات امر به معروف و نهی از منکر در پرورش روحیه قانونمداری

سید احمد رهنمایی*

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر از جنبه‌های گوناگون قابل تجزیه و تحلیل است. مقاله حاضر در صدد است تا با تمسک به تفسیر کامل آیات امر به معروف و نهی از منکر و رهنمودهای معصومان علیهم‌السلام رابطه این دو فریضه را با قانونمدار شدن تبیین نماید. هر اندازه به امر به معروف و نهی از منکر پای‌بندتر باشیم، نسبت به قوانین مورد تأیید اسلام تعهد بیشتری نشان خواهیم داد. تربیت انسان قانونمدار از جمله اهداف تربیتی است که برای امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته می‌شود. مبانی مستحکم، اصول پایدار و روش‌های متناسب با انتشار فرهنگ و ارزش‌های الهی از الزامات تحقق اهداف مزبور هستند. برای رسیدن به نتیجه مطلوب نباید به کمتر از تربیت شهروند قانونمدار مطابق شئون و ارزش‌های قرآنی بسنده شود.

واژگان کلیدی

آیات امر به معروف و نهی از منکر، حقوق مدنی، قانونمداری، شهروند و جامعه قانونمدار.

rahnama@qabas.net
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

*. دانشیار گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۰

از منظر قرآن، آمران به معروف و ناهیان از منکر در زمره بهترین امت و جزو رستگاران و شایستگان اند. آنان خودشان را از هر فسق و فجوری مبرا ساخته‌اند و در انجام هر امر شایسته و یا پیشگیری و پرهیز از هر اندیشه و عمل و حرکت ناشایست سرعت عمل به خرج می‌دهند. (آل عمران / ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴) براساس چنین رویه‌ای، گروه شایسته آمران و ناهیان قادر خواهند بود با آرامش خاطر بیشتری دیگران را به پاکی‌ها امر و از ناپاکی‌ها نهی کنند. چنانچه امر به معروف و نهی از منکر موجب گردد مسلمانان و جوامع اسلامی به ارزش‌های الهی و انسانی پای‌بند شوند و نسبت به رعایت قوانین تأسیسی و امضایی اسلام التزام بیشتری نشان دهند، زمینه برای پرورش و نهادینه‌سازی روح قانون‌مداری در وجود فرد و جامعه فراهم‌تر خواهد شد. نگارنده در بررسی خود به سه مقاله به شرح پیش‌رو دست یافت که همسو با مقاله حاضر، تقریباً اهداف یکسانی را دنبال می‌کردند:

۱. «امر به معروف و نهی از منکر؛ ضامن جامعه‌ای متعالی»، نوشته عباس ساکی، امر به معروف و نهی از منکر را فریضه‌ای برشمرده است «که بدون آنها تحقق شهری قانون‌مدار، با فرهنگی متعالی، امری شبیه به محال خواهد بود». (ساکی، ۱۳۹۰: ۱۰) وی التزام عملی به این دو فریضه الهی را از جمله شاخص‌های برجسته شهر و جامعه قانون‌مدار برخوردار از فرهنگ والا معرفی کرده است (همان)؛

۲. «تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در انتظام اجتماعی»، نوشته مسلم جمشیدی، محمد صادق غلام جمشیدی و هدایت سیاح البرزی (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۴ / ۱۶۹ - ۱۴۳)؛

۳. «جایگاه قانون و قانون‌گرایی در قرآن»، نوشته رضا حق‌پناه (حق‌پناه، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۲۵۴).

با این وجود، مسئله رابطه و همبستگی میان دو متغیر قانون‌مداری از یک‌سو و آیات امر به معروف و نهی از منکر از سوی دیگر از جمله مسائلی است که هنوز جای تجزیه و تحلیل و بررسی بیشتری دارد.

در این مقاله، نخست مدلولات تربیتی برگرفته از آیات امر به معروف و نهی از منکر از نظر می‌گذرد، سپس در همین راستا چند روایت تفسیری مورد استناد و بهره‌برداری قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب، وجوه ظاهری این دسته از آیات و قرائن موجود در آنها، همچنین مکی یا مدنی بودن آنها، به موازات مفاد و محتوای تربیتی آیات در کانون توجه این نوشتار قرار خواهند گرفت. مطالعه آیات دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر در هر صورت کمک خواهد کرد جایگاه و عاملیت مهم و تعیین‌کننده این دو فریضه در ایجاد و تقویت روحیه التزام به قوانین دینی و مدنی مورد پذیرش و امضای دین‌نمایان شود. بدیهی است چنین التزامی سامان‌دهی و سالم‌سازی فضای زندگی فردی و اجتماعی در پرتو رعایت شئون فرهنگ و اندیشه اسلامی را به دنبال خواهد داشت. اهمیت این نکته هنگامی بیشتر و

روشن تر بروز و ظهور می‌یابد که نفس امر به معروف و نهی از منکر در شمار یکی از مهم‌ترین قوانین الهی و مدنی قلمداد شوند، به گونه‌ای که مراعات جوانب این دو فریضه قانونی به خودی خود دستاویز مستحکم و مناسبی برای التزام به قانون و قانونمداری تلقی گردد.

واژه «عرف» به عنوان ریشه «معروف»، در زبان قرآن (اعراف / ۱۹۹) بر قوانین، سنن و آدابی دلالت دارد که عقلا و قانون‌گذاران جامعه آنها را زیبا و پسندیده دانسته و میان خود ترویج می‌کنند. این واژه در برابر اموری است که جامعه و خرد جمعی آنها را ناشایست می‌شمارند. لازمه چنین برداشتی این است که خود امر به عرف به مثابه قانون یا قوانینی برای اداره جامعه نیز در جای خود معروف و پسندیده باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۸ / ۳۸۰)

قانونمداری شاخص ارزش‌شناختی امر به معروف و نهی از منکر

ارزش‌های برگرفته از آیات امر به معروف و نهی از منکر از جنبه‌های گوناگون و به‌ویژه از جنبه تربیتی و فرهنگی - اجتماعی شاخص مهمی برای قانون‌مندی اقدام به معروف و پرهیز از منکر در جامعه اسلامی به‌شمار می‌روند. اینکه جامعه اسلامی از طریق عمل به معروف و پرهیز از منکر باید رو به صلاح و کمال گذارد و سرانجام به درک مقام قرب الهی نایل گردد و از زشتی‌ها و پلیدی‌ها دوری گزیند؛ همه به مثابه قوانینی است که به مصلحت بشر و برای تأمین سعادت انسان از جانب خداوند وضع گردیده‌اند. بدین ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر قابلیت و ارزش این را دارند که با تأکید بر رعایت قوانین الهی، جوامع بشری را نسبت به قوانین مورد نظر خداوند آشنا ساخته، روحیه قانونمداری را در وجودشان ایجاد و تقویت کنند.

با عنایت به مطلب فوق، مروری بر آیات امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد که چگونه با استنباط نکات تربیتی و فرهنگی - اجتماعی برگرفته از آیات مزبور می‌شود به شاخص مهم قانونمداری دست یافت. به بیانی که گذشت، از آیات امر به معروف و نهی از منکر با رعایت جانب قانونمداری نکات تربیتی زیر قابل برداشت می‌باشند؛ نکاتی که روایات اهل البیت علیهم‌السلام نیز بر ضرورت توجه به آنها مهر تأیید می‌زنند:

۱. تأکید بر اجرای این دو فریضه توسط مسلمانان به مثابه رسالت خطیری است که انجامش نشانه تربیت‌یافتگی و پای‌بندی امت اسلام به قوانین الهی است و در نقطه مقابل، ترک آنها عامل انحراف و موجب به هم ریختن اوضاع و آشفتگی شرایط زندگی فردی و اجتماعی و غلبه هوی و هوس بر عقل و معرفت خواهد شد. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۳۴)

۲. توأمان بودن دو فریضه در بسیاری از موارد نشان می‌دهد التزام به هر دو به صورت ایجابی و سلبی نقش سازنده‌ای را در اصلاح امور و سامان‌دهی اوضاع و شرایط زندگی ایفا کرده، عامل مؤثری در حمایت از اهل ایمان و غلبه بر اهل فسق و فجور و عصیان به‌شمار می‌رود. (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ۵ / ۲۵۹ - ۲۵۸) این امر به سهم خود نقش برجسته‌ای را در تنظیم شرایط حاکم بر جامعه و سامان‌دهی اوضاع فردی و اجتماعی و تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان ایفا خواهد کرد.
۳. تسریع در انجام امور شایسته به پشتوانه امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار گرفته است تا مبدا در اثر تأخیر، قوانین الهی مخدوش گردد و معروفی بر زمین بماند و یا در آستانه بر زمین ماندن قرار گیرد و یا منکری به ظهور رسد و یا در آستانه به وقوع پیوستن باشد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۹)
۴. اقامه نماز و پرداخت دیون شرعی و مردمی و ایجاد زمینه برای انجام سایر فرایض، همه به برکت امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌پذیرد؛ چرا که این دو فریضه زمینه را برای انجام مناسک دینی در هر جامعه‌ای فراهم می‌سازد و رغبت اهل ایمان را نسبت به انجام سایر فرایض افزون می‌کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۱۹) با توجه به این حقیقت که امر به معروف و نهی از منکر ایمن‌سازی فضای کار و زندگی و آسایش و تفریح و تفرج و پاک‌سازی محیط از گزند ناپاکی‌ها و نابهنجاری‌ها را به دنبال دارد، اصلاح امت و التزام مردم به پاکی‌ها و پاکیزگی‌ها از یک سو و بازداشتن سفیهان از زشتی‌ها و ناپاکی‌ها و پلشتی‌ها از سوی دیگر، همه رهین اقدام آمران به معروف و ناهیان از منکر است. (شریف رضی، ۱۳۸۷: ۵۱۲)
۵. امور دین و دنیا به واسطه پایبندی به ارزش‌ها و قوانینی که به خاطر آنها امر به معروف و نهی از منکر تشریح گردیده است به تمام و کمال می‌رسند و زمینه رشد و تعالی جامعه را فراهم می‌آورند. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۳ / ۳۴)
۶. یکی از نشانگان سلطه شیطان بر انسان این است که قوانین الهی وارونه شود، یعنی معروف توسط انسان بر زمین ماند و معطل گردد و منکر رواج یابد و عادت و رویه عرف شود. هنگامی که در اثر امر به معروف و نهی از منکر، انسان‌ها به معروف عمل کنند و از منکر بپرهیزند، قوانین الهی در جامعه احیا شود و در نتیجه نفوذ شیطان کم می‌شود و غل و زنجیر بندگی شیطان از هم گسسته می‌گردد و دین به کمال می‌رسد. (بقره / ۲۰۸ و ۲۶۸، نساء / ۱۱۹، اعراف / ۲۷، نور / ۲۱)
۷. کسانی که دیگران را امر به معروف می‌کنند، ولی خودشان قانون خدا را محترم نمی‌شمارند و در عمل به معروف کوتاهی می‌ورزند و یا دیگران را از منکر بازمی‌دارند، اما خودشان قانون خدا را زیر پا می‌گذارند و از انجام منکر باز نمی‌ایستند، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. اینان مشمول نفرین خداوند و

دور ماندن از رحمت الهی خواهند بود. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۵۱)

۸. قرآن اهتمام ویژه‌ای نسبت به تشکیل جامعه اسلامی دارد. بر این اساس، قوانین فراوانی را برای اداره هر چه بهتر جامعه اسلامی منظور داشته و از اهل ایمان خواسته است که در تحقق اموری چون برقراری اتحاد و الفت و ایجاد رابطه برادری میان خود (حجرات / ۱۰)، همکاری با یکدیگر در انجام امور شایسته و یا فراهم‌سازی زمینه برای چنین منظوری، (مائده / ۲) سفارش به یکدیگر برای پیروی از حق و پایداری در راه خدا، (عصر / ۳) سفارش به صبر و مهربانی در برابر یکدیگر (بلد / ۱۷) و از جمله اقامه امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران / ۱۰۴) جدی و کوشا باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۴ / ۹۵) امت اسلامی به واسطه امر به معروف و نهی از منکر به طور ویژه می‌توانند - ضمن فراهم‌سازی پشتوانه‌ای مستحکم برای اجرای قوانین الهی ناشی از اوامر مولوی و ارشادی خداوند - مردم را به راه خدا فراخوانند و رستگاری، شایستگی و برتری خود را نسبت به سایر امت‌ها به منصفه ظهور رسانند و در نتیجه الگوی جوامع واقع شوند تا ثابت گردد که اگر در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر رواج یابد، آن جامعه با گرایش به قانون‌مندی و قانون‌مداری و با مراعات قوانین به حق و درست از پلشتی‌ها و پلیدی‌ها و آشفتگی‌ها فاصله خواهد گرفت و از جنبه ظاهری و پاکی روحی و روانی و نظم و انتظام اجتماعی و از جهت قدس و معنویت سرآمد همه امت‌ها و جوامع خواهد شد. (آل عمران / ۱۰۴)

۹. تقابل و تغایر دو جریان ایمانی و نفاق در برخورد با معروف و منکر - به این معنا که اهل ایمان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، اما اهل کفر و نفاق برعکس امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند - بر اهمیت انجام این دو فریضه توسط مؤمنان می‌افزاید. این تنها اهل ایمان هستند که از این طریق حرمت قوانین الهی را پاس می‌دارند و اجازه کمترین تخلف از آن قوانین را به کسی نمی‌دهند. این در حالی است که شخص منافق حتی در صورتی که نهی از منکر کند، خودش مرتکب منکر می‌شود و یا اگر دیگران را به معروف فراخواند، خودش به معروف عمل نمی‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۹۶)

۱۰. قوانین الهی همان احکام و ارزش‌ها و مشیت و اراده و خواست الهی هستند که در قرآن به صورت‌های خبری و انشائی و تکوینی و تشریحی و در مواردی در فضای داستانی و یا به شکل ضرب‌المثل و کنایه و اشاره و نظایر آن نمود یافته‌اند. اصولاً امر به معروف و نهی از منکر خودشان از جمله برجسته‌ترین قوانین الهی به‌شمار می‌روند که مراعات آنها امور جوامع بشری در ساحت‌های فردی و اجتماعی و خصوصی و مدنی را سامان می‌بخشد.

آیات امر به معروف و نهی از منکر، افزون بر دلالتی که بر ارزش امر به معروف و نهی از منکر دارند، از

لیاقت و منزلت گروهی خبر می‌دهند که شایستگی دریافت فرمان الهی را دارا شده‌اند. به بیانی دیگر، تصدی امر به معروف و نهی از منکر نشانی از تربیت‌یافتگی آمر و ناهی به تربیت الهی دارد. از آن گذشته، تعبیر الهی و نوع واژگانی که در آیات در مقام امر به کار رفته است حکایت از رابطه دوستانه و با محبت و صمیمی خداوند با آن دسته از بندگانی دارد که بناست پذیرای مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر باشند. این مقام تا آنجا بالا می‌رود که شأن آمران به معروف و ناهیان از منکر را تا سطح جانشینی خداوند ارتقاء می‌بخشد. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۱۷۹)

روحیه قانون‌مداری در پرتو آیات مکی دو واجب

در گروه آیات مکی توصیه به اهل ایمان برای اقدام به امر به معروف و نهی از منکر به صورت فردی شاخص است، چراکه در دوران مکه هنوز حکومت و دولت و امتی به نام اسلام شکل نگرفته بود و هم به این دلیل که هرگونه ارتباط و اقدام جمعی در آن دوران سخت و شکننده و کشنده به صورت آشکار چندان میسر نمی‌گشت. در چنین شرایطی، بیان قرآن در سفارش به دو واجب به یکی از دو صورت است: یا توصیفی است که به شرح وظایف پیامبر ﷺ تصریح دارد و یکی از آن وظایف را امر به معروف و نهی از منکر برمی‌شمرد (اعراف / ۱۵۷) و یا اگر هم فرمان به انجام این دو فریضه می‌دهد، این فرد است که مخاطب فرمان الهی قرار گرفته است و نه جامعه؛ آن هم شخص پیامبر (اعراف / ۱۹۹) که به پیروی از ایشان نیز فرد فرد مسلمانان به قدر امکان و توانایی خود مخاطب این فرمان قرار می‌گیرند. مورد باقیمانده از آیات مکی باز هم به یک رسالت بینا فردی اشاره دارد و ناظر به سفارش جناب لقمان حکیم خطاب به فرزند خویش به صورت بینا فردی می‌باشد. (لقمان / ۱۷)

رهنمود آیات مکی در مجموع این است که در شرایط تنگنا و سختی که امکان تبلیغ علنی و ترویج آشکار معروف و بازداری آزاد و آسان از منکر میسر نمی‌گردد، بر هر فرد با ایمانی لازم است به وظیفه خویش در قبال مردم، به ویژه خویشان و نزدیکان، در رابطه با معروف و منکر به هرگونه که میسر است عمل کند تا اولاً حکم این دو فریضه معطل نماند و ثانیاً همان اقلیت با بصیرت و ره یافته با عمل به معروف و پرهیز از منکر روح و روان خویش را از گرفتار آمدن در چنبره زشتی‌ها و پلشتی‌ها صیانت بخشند و آثار تربیتی اقدامات خود را در سطوح مختلف زندگی گسترش دهند. چنین اقداماتی موجب می‌گردد آنان در برخورد با فتنه‌ها و ترفندهای دشمنان استوارتر و مستحکم‌تر بمانند. بنابراین، میسر نگشتن برپایی حکومت اسلامی و یا ناامنی و نبود امکان و فرصت لازم و مناسب نمی‌تواند برای ترک و اهمال و سستی در حق این دو فریضه خطیر بهانه‌ای به دست دهد. گو اینکه بناست

مسلمانان در دوران سیزده ساله مکه با دریافت احکام و قوانین الهی از طریق وحی و به واسطه پیامبر اکرم ﷺ آمادگی لازم را برای زندگی در دوران مدینه در لواء حکومت الهی و در پرتو التزام به آن احکام و قوانین کسب کنند.

قانونمداری در پرتو آیات مدنی دو واجب

در گروه آیات مدنی توصیه به اقدام جمعی برای امر به معروف و نهی از منکر شاخص است، زیرا در زمان نزول این دسته از آیات، هم دولت اسلامی تأسیس شده بود و هم امت اسلامی تشکیل یافته بود و هم با وضع قوانین الهی، زمینه برای انجام هر دو فریضه در جامعه اسلامی نوپای آن دوران فراهم گشته بود. به همین دلیل، مسلمانان ضمن آشنایی با قوانین و احکام اسلامی، به رعایت آن قوانین و احکام توصیه و فراخوانده می‌شدند.

آیات مدنی امر به معروف و نهی از منکر بیانگر این حقیقت هستند که اهل ایمان یعنی همان امت اسلام، تمام وجود و قیامشان در راه خدا برای خدا و به منظور هدایت و نجات مردم است. از آن گذشته، درسی که قرآن در این دسته از آیات به آمران به معروف و ناهیان از منکر می‌دهد این است که شما رسالت خویش را نسبت به امر به معروف و نهی از منکر مهم بشمارید و به وظیفه‌ای که مأمور به انجامش شده‌اید عمل کنید، ولی نتایج این قیام و اقدام مهم را به خدا بسپارید و ایمان داشته باشید که خداوند به مشیت خویش آثار مترتب بر امر به معروف و نهی از منکر را ضمانت می‌کند و نتیجه حاصل از آن را تأمین خواهد فرمود.

مردم و به تعبیر قرآنی «امت» در دوران مدینه در سایه دولت و حکومت اسلامی زندگی می‌کردند. از این رو، با امر به معروف و نهی از منکر به صورت دسته جمعی و آشکارا هم آحاد مسلمانان به صورت بینا - فردی و جمعی به انجام امور پسندیده تشویق می‌شدند و از گزند منکرات مصونیت می‌یافتند و هم با ثبات قوانین الهی ارکان دولت اسلامی تازه بنیان نهاده شده تقویت می‌گشت. پیام عمومی آیات مدنی چنین است که امت نوپای اسلامی باید به گونه‌ای تربیت شوند که همیشه، همه جا و در هر شرایطی به صورت فردی و دسته جمعی پشتیبان و ضامن اجرای قوانین و ارزش‌هایی باشند که از جانب خداوند به پیامبر ابلاغ شده و یا مورد تأیید و امضای دین خدا قرار گرفته است. این آیات بر این نکته تأکید می‌ورزند که مسلمانان هیچ‌گاه نباید از رسالت خویش به طور فردی و جمعی در قبال انجام معروف‌ها و ترک منکرات و تثبیت قوانین دینی و یا مورد پذیرش و احترام دین غافل بمانند. از باب نمونه، آیه پیش رو نه تنها اشعار به وظیفه خطیر امت اسلامی به بیانی که گذشت دارد،

بلکه به گونه‌ای بیانگر برتری امت اسلام در برابر سایر امت‌ها نیز می‌باشد؛ منزلتی که امت اسلامی از راه امر به معروف و نهی از منکر و مراعات حدود الهی به دست آورده است.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ. (آل عمران / ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای (هدایت و نجات) مردم به پا خاسته‌اید، امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر و به خدا ایمان می‌آورید و چنانچه اهل کتاب ایمان آورند، برایشان بهتر است. از میان آنان کسانی مؤمنند و بیشترشان تبه‌کارند.

عبارت «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»، در خطاب به مؤمنان گرچه به صورت خبری است، اما با افاده فرمان الهی به طور ضمنی و کنایی، دلالت بر اهمیت بیش از حد بر منظور و مقصود خداوند دارد؛ گزاره شما بهترین امتی هستید که برای مردم قیام کرده‌اید، به طور ضمنی به این معناست که شما مؤمنان با انجام دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر بهترین امتی باشید که برای سعادت عموم مردم به پا خاسته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳ / ۳۷۶). واژه «لِلنَّاسِ» در جای خود می‌تواند اشاره به این داشته باشد که منظور از آن غیر مسلمانانی هستند که هنوز در جرگه امت اسلامی جای نگرفته‌اند و در عین حال با اسلام و مسلمانان وارد جنگ و ستیز نشده‌اند و امید می‌رود در اثر امر به معروف و نهی از منکر به اسلام بگروند و یا دست کم در صف دشمنان اسلام قرار نگیرند. در آن عصر مدینه، واژه «النَّاسِ» چه بسا به ساکنان غیر مسلمان مدینه - و به خصوص به قرینه مصطلح اهل کتاب که در ادامه آیه ذکر شده است به قوم یهود و نصاری - نظر داشته باشد.

نکته مهم اینکه وصف «خَيْرَ أُمَّةٍ» بودن امت اسلامی به لحاظ امر به معروف و ناهی از منکر بودن این امت است. مهم‌تر اینکه به قرینه دنباله آیه، امت اسلام لازم است تا مرحله هدایت تمام مردم از جمله برای راهنمایی اهل کتاب شامل امت یهود و نصارا، امر به معروف و نهی از منکر کنند تا در برابر آنان حجت را تمام کرده باشند. طبیعی است انتظار نمی‌رود همه اهل کتاب از امر به معروف و نهی از منکر امت اسلام پیروی کنند، اما آیه گوشزد می‌کند که اگر اهل کتاب در مقام اطاعت برآیند و از دستور خداوند پیروی کنند و پای‌بند به قوانین الهی باشند، برای دنیا و آخرتشان مفید خواهد بود. از این فراتر، از نوع بیان آیات قرآن می‌توان به اثربخشی امر به معروف و نهی از منکر امت اسلام در هدایت انسان‌ها و از جمله اهل کتاب پی برد و گر نه حکمت تشریح امر به معروف و نهی از منکر از بین خواهد رفت. این در صورتی است که اهل ایمان بنا به اقتضای بهترین امت بودنشان در التزام به قوانین الهی جدی و پرتوان باشند.

آیات مدنی امر به معروف و نهی از منکر قرآن همچنین بر نقش مشترک مردان و زنان اهل ایمان در اقدام به امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارند. لحن آیات به گونه‌ای است که مراعات احکام و قوانینی چون برپایی نماز و پرداخت زکات و فرمانبرداری از خداوند و پیامبر را رهین موفقیت مردان و زنان با ایمان در امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. اینان در نتیجه، مشمول رحمت و حمایت الهی گردیده، به برکت امر به معروف و نهی از منکر جرگه محبت و دوستی با یکدیگر قرار می‌گیرند. قرآن در این خصوص می‌فرماید:

مردان با ایمان و زنان با ایمان برخی، به مثابه ولی و دوست صمیمی یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را به پا می‌دارند و زکات مال خویش را می‌پردازند و خدا و پیامبر را فرمانبردارند. خداوند به زودی آنان را مشمول رحمت و حمایت خویش قرار خواهد داد. به درستی که خداوند شکست‌ناپذیر حکیمی است که هر کاری را از روی حکمت انجام می‌دهد. (توبه / ۷۱)

پیرو این آیه، امر به معروف و نهی از منکر عامل بسیار مناسبی برای ایجاد رابطه ولایی و عاطفی میان اهل ایمان است که این ویژگی ممتاز به نوبه خود زمینه تثبیت و اجرای آنچه را خداوند وضع یا تأیید فرموده فراهم می‌آورد. این ویژگی ممتاز را خداوند به جز در خصوص امر به معروف و نهی از منکر، در زمینه هیچ یک از فرایض و احکام اسلام بیان نفرموده است؛ با اینکه بر حسب ظاهر زمینه پیدایش چنین ارتباطی دست کم در مورد نماز جماعت و حج و جهاد مشهودتر است. اما دلیل آشکار و عمده انتساب چنین خاصیتی به امر به معروف و نهی از منکر این است که قوام و پایداری نماز و حج و جهاد و اجتماعات مذهبی و گسترش عدالت همه رهین انجام آن دو فریضه است. این نشان می‌دهد که در جریان تربیت ولایی و تثبیت ارتباطات عاطفی و ایمانی، نقش امر به معروف و نهی از منکر را باید بسیار کلیدی دانست.

برداشت دیگری از آیه فوق نیز می‌تواند در تثبیت و ضمانت اجرای قوانین بسیار راهگشا باشد. در این رابطه به بیان زیر توجه شود:

خداوند می‌فرماید: «زنان و مردان مؤمن نسبت به یکدیگر ولایت دارند و در پرتو این ولایت است که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند». این ولایت را به هر معنایی بگیریم، چه به معنای محبت و چه به معنای دیگر، چنین اقتضایی دارد که مؤمنان یکدیگر را از کارهای زشت باز دارند ... اسلام تأکید دارد همان‌گونه که شخص باید خود را از گناه برهاند، در برابر دیگران هم وظیفه دارد که آنان را از آتش جهنم دور

کند. امر به معروف و ناهی از منکر برای آنکه بتواند به دیگری تذکر دهد و یا عملاً جلو معصیت را بگیرد، باید نوعی ولایت و اجازه قانونی داشته باشد. شاید عبارت «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» اشاره به این باشد که خداوند متعال چنین ولایت و قدرت قانونی را به مردان و زنان مؤمن داده است. البته این یک معنای ولایت است و ممکن است ولایت در آیه مزبور، به معنای دوستی نیز باشد که در این صورت مفهوم آن این است که چون مردان و زنان مؤمن به هم محبت دارند و دلسوز هم‌اند، نمی‌خواهند مبتلا به گناه شوند و راهی را در پیش گیرند که سرانجام آن، عذاب ابدی باشد. آن محبت حاکم بر مؤمنان ایجاب می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۴۴)

بدین ترتیب، همان‌گونه که امر به معروف و نهی از منکر یکی از مؤثرترین عوامل و علل ترویج و انتشار قوانین الهی به‌شمار می‌روند، در جای خود از عوامل و علل بقاء و پایداری آنها نیز به حساب می‌آیند. بیان برخی از آیات قرآن به گونه‌ای است که تربیت دینی و سیاسی و اقتصادی فرد و جامعه را به زنده و پویا نگه داشتن امر به معروف و نهی از منکر منوط می‌داند. بدیهی است تربیت یافتن به ساحت‌های تربیتی فوق، تعهد و التزام فکری و عملی به قوانین و احکام رایج مربوط به این ساحت‌ها را به دنبال دارد که در واقع زمینه‌ساز ایجاد و نهادینه شدن روحیه قانون‌مداری خواهد بود. با تأمل در برخی آیات، روشن می‌گردد که قرآن با بیان اوصاف و ویژگی‌هایی که در کنار امر به معروف و نهی از منکر برای مؤمنان برمی‌شمرد، آنان را متمایز از دیگران ممتاز شمرده است و به همین دلیل وظایف مهم‌تری را بر دوش آنان مقرر فرموده است. از جمله:

به خدا بازگشتگان، خداپرستان، ستایشگران، گردشگران (در رفت و شد از مکانی معنوی به دیگر مکان معنوی)، راکعان و ساجدان، آمران به معروف و ناهیان از منکر و نگهبانان قوانین الهی (همه از جمله مؤمنان مورد ستایش خداوند) و مؤمنان را (به رستگاری بزرگ) بشارت ده. (توبه / ۱۱۲)

(یاوران الهی کسانی هستند) که اگر آنان را بر روی زمین تمکن و قدرت بخشیم، (مابین دین و دنیا جمع کرده)، نماز را به پا می‌دارند (تا عمود دین بر جای ماند و خیمه دین برافراشته گردد) و زکات مالشان را می‌پردازند (تا فقر و فلاکت از جامعه رخت بر بندد و اوضاع معیشتی مردم بهبود یابد) و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (تا امور دین و دنیایشان سامان گیرد) و (بدانند که) پایان همه امور به دست خداست. (حج / ۴۱)

خداوند در این دسته از آیات نخست اوصاف شخصیتی و ویژگی‌های رفتاری پسندیده و زیبای

اهل ایمان را بیان می‌دارد، سپس به بیان و وصف رفتار زیبا و پسندیده دیگری چون امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد. در مرتبه سوم، محافظت و صیانت از قوانین الهی را از جمله وظایف فردی و جمعی اهل ایمان می‌شمرد؛ قوانینی که مخالفت با آنها برای احدی مجاز نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۹ / ۳۹۶)

بنا بر برداشت علامه طباطبایی، آنچه در مجموع از مفاد آیات مدنی امر به معروف و نهی از منکر به دست می‌آید، بیان این حقیقت است که احکام الهی، از مهم‌ترین تا ساده‌ترین، همه وضع شده‌اند تا به مثابه قوانین الهی سعادت راستین مجتمع اسلامی و قرب و منزلت مسلمانان در پیشگاه خداوند را تأمین کنند. اما این همه هنگامی میسر است که به پشتوانه امر به معروف و نهی از منکر صورت پذیرد. امر به معروف و نهی از منکر چنانچه وظیفه عمومی شناخته شود به سهم خود عامل رشد ظاهر و کمال باطن اعضای مجتمع اسلامی و نگهبان آنان از شرور و آفات اخلاقی و اعتقادی خواهد بود. این نشان می‌دهد که اسلام از میان همه سنت‌ها به سنت مربوط به شئون مجتمع و قوانین اجتماعی بیشتر اهتمام می‌ورزد و از این رو، سازوکار لازم و از جمله امر به معروف و نهی از منکر را برای تأمین این مقصود فراهم می‌آورد. (همان: ۴ / ۹۷)

قانونمداری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر زمینه‌ساز رستگاری انسان

یکی از شئون و وظایف اهل ایمان این است که تا آنجا که برایشان امکان دارد، با امر به معروف و نهی از منکر خود و دیگران را به جانب دین خدا و پیروی از احکام و قوانین و ارزش‌های الهی فراخوانند تا زمینه نیل به فلاح و رستگاری را برای آنان فراهم آورند. (همان: ۶ / ۱۶۴) رستگاری و شایستگی فردی و اجتماعی از جمله مهم‌ترین ویژگی‌هایی هستند که آیاتی از قرآن آمران به معروف و ناهیان از منکر را به آنها توصیف می‌فرمایند. با چنین توصیفی خداوند منان رسالت آمران به معروف و ناهیان از منکر را مورد تأیید قرار داده است تا همه بدانند که مراعات قوانین و ارزش‌های الهی مسیر رستگاری را پیش پای انسان هموار می‌سازد.

در بیان امام خمینی رحمته‌الله قانون‌گرایی و قانونمداری اقتضای فلسفه بعثت و هدف نبوت است. از این رو همه پیامبران از جانب خداوند مبعوث شدند تا در چارچوب اوامر و نواهی الهی برای رستگاری مردم قوانین و حیانی را برقرار و اجرا کنند. پیشوایان دینی خودشان با خضوع در برابر قوانین برگرفته از شریعت آسمانی، به آن عمل می‌کردند و ضمن آگاه‌سازی مردم از قوانین، آنان را نسبت به رعایت شأن و جایگاه قوانین مزبور موظف و مسئول دانسته، از مخالفت با چنین قوانینی برحذر می‌داشتند و بر تسلیم بودنشان در برابر قوانین الهی تأکید می‌ورزیدند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۴۱۴).

از منظر مقام معظم رهبری نیز:

انبیا دو هدف دارند، دو هدف مهم؛ یکی هدف اساسی است، ساختن انسان، پیراستن انسان از بدی‌ها، آراستن انسان به نیکی‌ها و فضیلت‌ها و خوبی‌ها؛ ... اما هدف دیگری که انبیا دارند که در نیمه راه این هدف قرار دارد، این است: تشکیل جامعه توحیدی، تشکیل نظام الهی، تشکیل حکومت خدا، تشکیل تشکیلاتی که با قوانین و مقررات الهی اداره بشود، این هدف همه انبیاست. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۸۷ - ۳۸۶)

نظام تربیتی اسلام به خصوص بیش از هر نظام تربیتی دیگری مشتمل بر بایدهای معروف و نبایدهای منکر است که التزام عملی به انجام این بایدهای پسندیده و معروف و پرهیز از ارتکاب آن نبایدهای ناپسند و منکر نشاط و شادابی و رستگاری را در میان مسلمان جامعه اسلامی به ارمغان می‌آورد. با استناد به قرآن (آل عمران / ۱۰۴) می‌توان «یادآوری قانون را برای متخلفان در جامعه اسلامی، برخاسته از ضرورت اجرای امر به معروف و نهی از منکر تلقی» کرد. (مؤدب، ۱۳۸۳: ۴۴ - ۳۱)

از ظاهر دو آیه زیر به دست می‌آید که یکی از مؤثرترین عوامل زمینه‌ساز رستگاری اهل ایمان اقدام آنان به امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن در هر موردی کسی یا کسانی را به وصفی از اوصاف یاد کرده است، توصیف آن فرد یا افراد کاملاً مرتبط با فعالیت بوده که انجام داده، یا قرار است انجام دهند. اندک تأملی در مورد واژه مفلحون در قرآن نشان می‌دهد که تا چه اندازه مابین متغیرهای مذکور در آیه از یکسو و مفلحون از سوی دیگر ارتباط معنادار وجود دارد.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران / ۱۰۴)

و از میان شما جمعی باشند که مردم را به جانب خوبی‌ها فراخوانند و به امور پسندیده فرمان دهند و از امور ناپسند بازدارند و اینان همانا رستگارانند.

فلاح در فرهنگ واژگان قرآنی به مفهوم پیروزی و رسیدن به مقصود و منظور نهایی است که به نوبه خود بر دو گونه است: دنیوی و اخروی. پیروزی دنیوی مشتمل بر خوشبختی‌هایی نظیر بقاء و بی‌نیازی و عزت است که زندگی دنیا را شیرین و گوارا می‌گرداند. رستگاری اخروی اما بیان نوع خاصی از ظفرمندی و پیروزی با چهار ویژگی است: بقاء بدون فناء، بی‌نیازی بدون فقر، عزت بدون ذلت و دانایی بدون نادانی. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۴) از این رو، همان‌گونه که در قرآن و روایات بدان تصریح شده است، زندگی حقیقی همان زندگی اخروی است. (عنکبوت / ۶۴) در اذان هم که گفته می‌شود *حیّ علی الفلاح* (بشتاب به سوی رستگاری)، منظور سرعت گرفتن به سوی آن

ظفرمندی خاصی است که خداوند به وسیله نماز برای نمازگذاران مقرر فرموده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۴) این ظفرمندی مراتبی دارد که عالی‌ترین مرتبه آن قرب الهی است. آنچه را که خداوند در آیاتی از قرآن در بیان رستگاری انسان و توصیف رستگاران ذکر فرموده است همه در برگیرنده عناصری از قانونمندی می‌باشند. رعایت اصولی چون ایمان، عمل صالح، انگیزه شایسته، خلق و خوی نیکو، اراده مصمم و از جمله امر به معروف و نهی از منکر، جایگاه این قانون‌مندی را روشن می‌سازد. التزام به امر به معروف و نهی از منکر در کنار سایر عناصر به سهم خود یک چنین تضمینی را به فرد متعهد می‌دهد که او را تا رسیدن به فلاح در دنیا و آخرت یاری رساند. (آل عمران / ۱۰۴)

در مجموع، از آنجاکه بسیاری از افراد و جوامع بشری گرفتار هواهای نفسانی و پیرو سنت‌های ناروای خودساخته خویشند، تقویت وجدان عمومی و ایجاد فضایی از ارشاد و یادآوری به منظور پرورش روحیه قانون‌مداری در پرتو امر به معروف و نهی از منکر و التزام ذهنی و عملی به این دو فریضه می‌تواند در هدایت و نجات انسان‌ها و تعالی بخشیدن به زندگی آنان بسیار کارآمد باشد. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر کمترین تناسب و همگرایی با لیبرالیسم پیدا نخواهد کرد. بدیهی است همچنان‌که لیبرالیسم و یا هر مسلکی فراتر از آن اجازه ندارد با قوانین مدنی حاکم بر جامعه، نظیر قوانین راهنمایی و رانندگی و یا آیین‌نامه‌های مراکز آموزشی و تجاری و فرهنگی بستنیزد، مبارزه لیبرالیسم و یا لائیسزم نیز با قوانین شریعت اسلامی همچون وجوب امر به معروف و نهی از منکر توجیه‌پذیر نخواهد بود. متعهدان و ملتزمان به احکام و قوانین اسلامی همه بر این باورند که آیات و روایات امر به معروف با روشنگری و صراحت بیان در برابر این قبیل چالش‌ها موضع اساسی و جدی اتخاذ کرده‌اند تا آنجا که راه را به روی هر بهانه‌واهی بسته‌اند. روایات در این باب فراوان است که در اینجا به چهار نمونه از آنها بسنده می‌گردد. از جمله نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها می‌فرمود: «هنگامی که امت من، امر به معروف و نهی از منکر را واگذارند، پس باید با خدا اعلان جنگ نمایند». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۳۹۴) بنا بر روایت دیگری به نقل از آن بزرگوار «خدای متعال دشمن مؤمن ضعیفی است که دین ندارد، پرسیده شد آن مؤمن ضعیفی که دین ندارد چه کسی است؟ فرمودند: او کسی است که نهی از منکر نمی‌کند». (همان: ۳۹۷) از ایشان نیز روایت شده است که فرمودند: «مادامی که امت من، امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر نیکی کمک نمایند بر خیر هستند؛ و زمانی که چنین نکردند برکات از ایشان گرفته می‌شود، و بعضی از آنان بر بعضی دیگر چیره خواهند شد، و در آسمان و زمین برای آنان یآوری پیدا نمی‌شود». (همان: ۳۹۸) افزون بر این، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

همانا پیشینیان از شما هنگامی هلاک شدند که آلوده به معاصی شدند و علمای آنان (ربانیون و احبار) آنها را نهی نکردند، و از آنجاکه ایشان به معاصی ادامه دادند و

احبار و ربانیون آنان را منع نکردند، بلا و عقوبت‌ها بر آنان نازل شد؛ پس امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید که این دو، نه مرگی را نزدیک می‌کنند و نه سبب بریدن روزی می‌شوند. (همان: ۳۹۵؛ ر.ک: امام خمینی، ۱۳۹۴: ۴ - ۳)

در رویارویی با مسلک لیبرالیستی، به بیانی که گذشت، گروه‌های زیر از جمله تربیت‌یافتگانی هستند که می‌توانند در مقیاس فردی و اجتماعی با التزام به امر به معروف و نهی از منکر و مراعات حدود و قوانین الهی جزو بهترین‌هایی به‌شمار روند که خود و مردم را بر التزام به ارزش‌ها تشویق می‌کنند و از گرایش به ضد ارزش‌ها باز می‌دارند تا موجب نزول برکات و رفع بلاها باشند:

۱. افراد و جوامع انسانی سالم برخوردار از ابعاد گوناگون سلامت، صالح و ملتزم به اعمال شایسته، رهرو راه حقیقت و تلاش‌گر برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی؛

۲. مروجان و ناشران فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی،

ملی و بین‌المللی؛

۳. تربیت‌یافتگان در تراز فرهنگ و اندیشه اسلامی؛

۴. زمینه‌سازان تربیت‌رستگاران؛

۵. تحقق‌بخشان به آرمان‌های الهی از طریق شایسته‌پروری؛

۶. فراهم‌سازان زمینه‌ها و شرایط تشکیل دولت اسلامی؛

۷. سامان‌دهندگان ساختار و روح امت اسلامی؛

۸. پایه‌ریزان فرایند برقراری نظام اسلامی؛

۹. پایه‌گذاران و زمینه‌سازان تمدن اسلامی؛

۱۰. مبارزان استوار در رویارویی با چالش‌ها و آسیب‌های تربیتی ناشی از فروگذاردن امر به معروف

و نهی از منکر.

ویژگی‌های ایجابی - سلبی توأمان امر به معروف و نهی از منکر و مدلول تربیتی آن

یک مربی هنگامی که می‌خواهد با گفتار خویش مقصود خاصی را چنان که باید و شاید به فراگیران خود ابلاغ کند، واژگان و اصطلاحات مورد نظر را به گونه‌ای کنار هم چینش می‌دهد که منظور وی هر چه رساتر در ذهن و تصور فراگیران جای بگیرد و هر چه بهتر توجه آنان را به جانب پیام اصلی جلب نماید. پیام اصلی قرآن در خصوص امر به معروف و نهی از منکر یک پیام سلبی - ایجابی است، یعنی نمی‌توان امر به معروف بود، اما ناهی از منکر نبود و یا بر عکس، نمی‌شود انسان نسبت به ظهور و رواج منکرات حساسیت منفی نشان بدهد، اما برای ترویج فضیلت‌ها گامی بر ندارد. به عبارتی دیگر، اسلام اجازه نمی‌دهد

مسلمان از باب نمونه، نماز به جای آورد و با این وصف مرتکب گناه هم بشود، همچنان که اجازه نمی‌دهد مسلمان بر انجام امور عام المنفعه همت گمارد، ولی در انجام فرایض کاهلی ورزد، یا اصلاً به واجبات اهمیت ندهد و آنها را به جای نیاورد. این به مثابه قانون الهی است که براساس آن قرآن ما را به انجام فرایض و امور شایسته فرامی‌خواند و هم‌زمان ما را از ارتکاب معاصی و حتی مکروهات برحذر می‌دارد. در فقه اسلامی با تأسی به قرآن باب ویژه‌ای در تشریح و قانون‌مندی احکام مربوط به امر معروف و نهی از منکر اختصاص یافته است، به گونه‌ای که در بدو امر به نظر می‌رسد این دو فریضه در واقع یک فریضه هستند. با دقت نظر خواهیم یافت که تأکید زاید الوصف قرآن بر اجرای این دو فریضه به صورت توأمان شاخص اهمیتی است که اجرای هم‌زمان آنها در راستای آراستن روان و رفتار فرد و جامعه انسانی به مکارم اخلاقی و پیراستن آنها از ناراستی‌ها دارد. تربیت در برداشت قرآنی، همان تزکیه است و تزکیه در مفهوم مصطلح خود در اصل همان پیراستن از آلودگی‌ها و ناآراستگی‌هاست. در این صورت، آراستن به کمالات و خوبی‌ها از لوازم چنین پیراستگی است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴ / ۳۵۴). مفهومی که از برابری امر به معروف و نهی از منکر به دست می‌آید؛ پیراستن از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و آراستن به مکارم و کمالات است. در هر صورت، اقدام به پیراستن از یک سو و آراستن فرد و جامعه انسانی از سوی دیگر در سامان دهی به امور فردی و اجتماعی مؤثرتر است تا اقدام به پیراستن بدون آراستن و یا اقدام به آراستن بدون پیراستن.

اما هدف تربیتی این توأمان سازی چیست؟ آنچه از نگاه تربیتی بر این امر مترتب می‌باشد این است که به ما یاد می‌دهد که در برخورد با معروف و منکر باید نسبت به قانون الهی مبنی بر دوگانه‌گرایی سلبی - ایجابی وفادار بود و جانب این قانون مهم را مراعات نمود. یعنی به همان اندازه و یا بیش از آنکه نسبت به تحقق و ترویج معروف حساسیت به خرج می‌دهیم، نسبت به مبارزه با منکر نیز حساسیت نشان دهیم. برخی از اهل ایمان هستند که به طور مثال به نماز خواندن فرزندان خود اهمیت داده، آنان را با حساسیت تمام به برپایی نماز سفارش می‌کنند، اما نسبت به رفتارهای هنجارشکنشان و یا نسبت به شیوه معاشرت آنان و یا راه معیشت و کسب و کار و درآمدشان بی‌تفاوتند و یا برعکس؛ هستند کسانی که در برخورد با منکر به شدت حساسیت به خرج می‌دهند و حال آنکه نسبت به ترک معروف بی‌خیالند. نظام تربیتی اسلام به هیچ وجه این رویه را نمی‌پسندد که مثلاً گفته شود فرزندم دروغ نگوید، خیانت نکند، غیبت نکند، رشوه‌خواری نکند، حال اگر نماز نخواند اشکال ندارد و یا برعکس، زیرا بنا بر تحقیق، «اخلاق جزئی از دین به حساب آید؛ یعنی ما رابطه دین و اخلاق را رابطه‌ای ارگانیکی، همچون رابطه تنه درخت با کل درخت می‌دانیم. دین به مثابه درختی

می‌ماند که ریشه آن، همان عقاید است، تنه‌اش اخلاق و شاخ و برگش، احکام هستند». (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب: ۲۳۲) از این رو، در بیشتر موارد، از هر دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر توأمان سخن به میان آورده است تا هم فرد آمر و ناهی بر انجام هر دو تکلیف به موازات یکدیگر خود را مسئول بداند و هم جامعه رسالت خویش را در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به انجام برساند و هم قانونگذاران در وضع قوانین مدنی از توأمان بودن امر و نهی به خوبی دفاع کنند.

نتیجه

با بررسی ظاهر آیات امر به معروف و نهی از منکر روشن شد که اسلام کمترین سهل‌انگاری فردی و اجتماعی را در رابطه با این دو فریضه بزرگ الهی نه تنها بر نمی‌تابد، بلکه انجام هر دو را به صورت توأمان و به مثابه قانونی الهی از جمله رسالت خطیر مسلمانان و جوامع اسلامی و مایه برتری آنان برمی‌شمرد. از این رو، از منظر اسلام امر به معروف و نهی از منکر با نگرش لیبرالیستی به انسان و زندگی انسانی سازگاری ندارد، زیرا در فضای لیبرالیسم و فردگرایی، کسی اجازه ندارد حتی به دیگری تذکری هر چند اخلاقی دهد! افزون بر این، از عبارت «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» در وصف مردمی که امر به معروف و نهی از منکر را رسالت الهی بر دوش خود می‌دانند برداشت می‌شود که بهترین امت بودن باید به معیار تربیت‌یافتگی آنان در ابعاد گوناگون زندگی تعریف گردد.

به موازات آیات قرآن به شرحی که گذشت، با مراجعه به برخی از روایاتی که به تفسیر امر به معروف و نهی از منکر پرداخته‌اند، چنین برداشت می‌شود که اقدام به این دو فریضه عاملی مهم و زمینه‌ساز برای انجام سایر فریضات الهی و در نتیجه نزول برکات و رفع بلاها خواهد بود. خلاصه اینکه رسالت اساسی دین در وضع قوانین و پیرو آن ترمیم اوضاع و شرایط فردی و اجتماعی، به پشتوانه امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌پذیرد و در نتیجه با التزام افراد و جوامع به قوانین، امور فردی و اجتماعی به سامان می‌رسد. مفهوم مخالف چنین برداشتی این است که چنانچه امر به معروف و نهی از منکر به فراموشی سپرده شوند، سایر احکام الهی نیز به تدریج به تحلیل خواهند رفت و حتی چه بسا به فراموشی سپرده خواهند شد و در نتیجه سامانه الهی فرهنگ و ارزش‌ها فرو خواهد ریخت و جامعه رو به تباهی خواهد گرایید.

بنابراین، هرگز درست نیست این دو فریضه الهی با این همه تأکیدی که در موردشان از ناحیه قرآن و روایات صورت گرفته است به قلمرو یک سلسله امور پیش پا افتاده و ساده فردی و اجتماعی فرو کاسته شوند. ظرفیت امر به معروف و نهی از منکر تا حد اصلاح امور و برپایی تمدن جهانی اسلام بالاست. از این رو، هیچ عامل و پدیده و عذری نباید جایگاه آنها را تحت الشعاع قرار دهد و آنها را تا

سطح یک دستور و خواست ساده و نه چندان با خاصیت پایین بیاورد. به نظر می‌رسد امر به معروف و نهی از منکر به مثابه دو رسالت از جنبه ماهوی اجتماعی و یا دست کم بینافردی، به مراتب پیچیده‌تر و تا حدودی مشکل‌تر از انجام فریضه‌های از جنبه ماهوی فردی باشد، زیرا برای انجام فریضه‌هایی چون نماز و روزه و حج و ... هر شخصی مسئول فکر و عمل خویش است و مسئولیت شخص یا اشخاص دیگری را در انجام و یا ترک عمل بر عهده ندارد. دغدغه‌مند بودن نسبت به احوال خویشتن پای‌بندی به قوانین خود - مسئولی را به دنبال دارد. در این صورت، انسان در مرتبه نخست، خویشتن را مخاطب امر و نهی قرار می‌دهد، یعنی اینکه به منظور دست‌یابی به کمال انسانی و پیشگیری از هرگونه انحراف و سقوط اخلاقی - معنوی سعی می‌کند بر رعایت قوانین پای می‌فشارد. این در حالی است که در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر شخص آمر و ناهی در قبال دیگران نیز جهت مراعات معروف و پرهیز از منکر کاملاً مسئول است. از این رو، این دودسته از فرایض هر کدام قوانین مخصوص به خود را دارند. به بیانی که گذشت، قوانین و الزامات اجرایی اقدام به دو واجب هر دو گروه آمران و ناهیان از یک جانب و مخاطبان آنان از جانب دیگر را در بر می‌گیرد. این امر در جای خود انجام وظیفه را سخت‌تر می‌کند. با این وصف، اجرای قوانین الهی به طور عام و اقدام بر اساس قانون امر به معروف و نهی از منکر به طور خاص گرایش و پای‌بندی به قوانین را در وجود انسان ایجاد و تثبیت می‌کند. این نکته هنگامی جلوه روشن‌تری می‌یابد که مراعات حقوق اجتماعی را در صدر برنامه‌های جاری نظام زندگی انسانی قرار دهیم. این مطلبی است که اسلام بر آن تأکید می‌ورزد تا آنجا که این امر جزو مهم‌ترین قوانین الهی به‌شمار می‌رود که خداوند حق الناس را جز با کسب رضایت کسانی که حقوقشان تباه گردیده است، نمی‌بخشد. چنانچه این نکته به خوبی درک و فهم شود، دیگر کسی به خود اجازه نخواهد داد قوانین الهی - انسانی را با تباه کردن حقوق فردی و اجتماعی زیر پا گذارد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

- امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.

- امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹۴، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام، تهران،

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۳، شرح محقق باوع جمال‌الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و دور الکلم، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی، تهران، دانشگاه تهران.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البت علیه‌السلام.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن: سلسله جلسات استاد سید علی حسینی خامنه‌ای، تهران، مؤسسه ایمان جهادی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۰ و ۱۳۷۱، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ الف، بزرگترین فریضه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱ ب، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- نوری، حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البت علیه‌السلام.
- ب) مقاله‌ها**
- جمشیدی، مسلم، محمدصادق غلام جمشیدی و هدایت سیاح البرزی، ۱۳۸۸، «تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در انتظام اجتماعی»، انتظام اجتماعی، ش ۴، ص ۱۶۹ - ۱۴۳، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- حق‌پناه، رضا، ۱۳۷۷، «جایگاه قانون و قانونگرایی در قرآن»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۴، ص ۲۷۸ - ۲۵۳، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ساکی، عباس، ۱۳۹۰، «امر به معروف و نهی از منکر؛ ضامن جامعه‌ای متعالی»، روزنامه جام‌جم، ۹۰/۹/۲۴، تهران، روزنامه جام‌جم.
- مؤدب، سید رضا، ۱۳۸۳، «فرهنگ قانونمداری در اندیشه‌های قرآنی امام خمینی علیه‌السلام و بررسی مستندات آن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۲، ص ۴۴ - ۳۱، تهران، دانشگاه الزهراء علیه‌السلام.